



مولانا « مثنوی معنوی » دفتر اول «

بخش ۴ - از خداوند ولیّ التوفیق در خواستن توفیق رعایت ادب در همه حالها و بیان کردن وخامت ضررهای بی ادبی

از خدا جویم توفیق ادب	۱	بی ادب محروم گشت از لطف رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد	۲	بلک آتش در همه آفاق زد
مایده از آسمان در می رسید	۳	بی شری و بیع و بی گفت و شنید
در میان قوم موسی چند گس	۴	بی ادب گفتند کو سیر و عدس
منقطع شد خوان و نان از آسمان	۶	ماند رنج زرع و بیل و داس مان
باز عیسی چون شفاعت کرد حق	۷	خوان فرستاد و غنیمت بر طبق
مائده از آسمان شد عائده	۸	چون که گفت «أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً»
باز گستاخان ادب بگذاشتند	۹	چون گدایان زله‌ها برداشتند
لابه کرده عیسی ایشان را که این	۱۰	دایمست و کم نگردد از زمین
بدگمانی کردن و حرص آوری	۱۱	کفر باشد پیش خوان مهتری
زان گدارویان نادیده ز آز	۱۲	آن در رحمت بریشان شد فراز
ابر بر ناید پی منع زکات	۱۴	وز زنا افتد و با اندر جهات
هر چه بر تو آید از ظلمات و غم	۱۵	آن ز بی باکی و گستاخیست هم
هر که بی باکی کند در راه دوست	۱۶	رهزن مردان شد و نامرد اوست
از ادب پر نور گشتست این فلک	۱۷	وز ادب معصوم و پاک آمد ملک
بد ز گستاخی کسوف آفتاب	۱۸	شد عزازیلی ز جرأت ردّ باب

دست بگشاد و کنارانش گرفت	۱	همچو عشق اندر دل و جانش گرفت
دست و پیشانیش بوسیدن گرفت	۲	وز مقام و راه پُرسیدن گرفت
پُرس پُرسان می کشیدش تا بصدور	۳	گفت گنجی یافتم آخر بَصبر
گفت ای نور حَقُّ و دفعِ حَرَج	۴	معنی الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الفِرَج
ای لقای تو جواب هر سؤال	۵	مشکل از تو حل شود بی قیل و قال
ترجمانی، هرچه ما را در دِلست	۶	دستگیری، هر که پایش در گِلست
«مَرْحَبَا يَا مُجْتَبَى يَا مُرْتَضَى»	۷	«إِنْ تَعِبَ جَاءَ الْقَضَا ضَاقَ الْقَضَا»
«أَنْتَ مَوْلَى الْقَوْمِ مَنْ لَا يَشْتَهِي»	۸	«قَدْ رَدَى كَلَّا لَيْنٌ لَمْ يَنْتَهِي»
چون گذشت آن مجلس و خوانِ کرم	۹	دست او بگرفت و بُرد اندر حرم

وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف یا وزن مثنوی)

منابع:



خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه

۱- وبسایت گنجور:

۲- شرح مثنوی معنوی 1 حاج ملا هادی سبزواری

3- مثنوی معنوی بر اساس نسخه قونیه - به تصحیح و پیشگفتار

عبدالکریم سروش

۴- وبسایت واژه یاب:

لغتنامه و شرح:

* مایده: خوردنی - خوان ، سفره	* عائده: عطا. بخشش
* عزازیل: یکی از نامهای شیطان	* حرج: درماندگی، تقصیر
* شری: خرید و فروش	* حَرَج: بزه، تقصیر، جرم، گناه
* فراز: مسدود، بسته	
* «أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً»: آیه ۱۱۴ سوره مائده (عیسی مریم گفت: ای پروردگار ما، تو بر ما از آسمان مائده‌ای فرست تا ...)	
* زله: زلزله برداشتن؛ ریزه طعام برداشتن. پس مانده طعامی را جمع کردن و بردن.	
* «مَرْحَبَا يَا مُجْتَبَى يَا مُرْتَضَى» «إِنْ تَعِبَ جَاءَ الْقَضَا ضَاقَ الْقَضَا»: ای یار گزین و پسندیده! خوش آمدی. اگر تو غایب شوی، قضا آید و فضا تنگ شود.	
* «أَنْتَ مَوْلَى الْقَوْمِ مَنْ لَا يَشْتَهِي» «قَدْ رَدَى كَلَّا لَيْنٌ لَمْ يَنْتَهِي»: تویی سرور قوم سالکان. هر کس تو را نخواهد و از این اعراض دست بردارد برآستی که تباہ خواهد شد.	